



خلاصه جلسه قبل

بحث ما در اهدای جنین بود که مسئله اول از مسائل اهدای جنین را در جلسات گذشته مطرح کردیم. و آن مسئله این بود که نطفه زن و شوهر در خارج رحم تلقیح شود و بعد در داخل رحم زن قرار داده شود. بحث از آن، از جهت حکم وضعی و تکلیفی مسئله گذشت.

اهدای جنین

بعد از مسئله اول، بحث واقع می شود در اهدای جنین در صور دیگر. این مسائلی که دنبال می کنیم چون در وضوح و خفا و در اندارج در ادله ای که مطرح می کنیم نسبت به مشروعیت و عدم مشروعیت، متفاوت است، لذا به صورت جدای از هم این مسائل باید دنبال شود و به صورت تقسیمی که الآن ذکر می کنیم دنبال می کنیم.

صور اهدای جنین

اهدای جنین (غیر صورت اول که بحث شد) چند صورت دارد:

صورت اول: اسپرم مرد اجنبی با تخمک خود زن تلقیح شود و در رحم همان زن قرار داده شود.

صورت دوم: اسپرم شوهر با زن اجنبی تلقیح شود و در رحم زن شرعی شوهر قرار داده شود.

صورت سوم: اسپرم مرد اجنبی با تخمک زن اجنبی تلقیح شود (جنین کامل) و در رحم زن دیگری قرار داده شود.

در حقیقت ما در مسئله اهدای جنین چهار مسئله اصلی داریم که یک مسئله آن بحث شد. و سه مسئله از آن باقی می ماند که باید بررسی شود.

صورت سوم با رحم اجاره ای فرق می کند در رحم اجاره ای رحم زن اجنبی برای رشد و نمو جنین اجاره می شود ولی در اینجا کسی اجاره نمی شود بلکه مجانی است. در مورد رحم اجاره ای گفته شده که با کرامت انسانی ناسازگار است و از نظر اخلاقی با مشکلاتی مواجه است اما صورت سوم، چنین مشکلاتی را ندارد.

موارد اهدای جنین معمولاً اینطور است که اسپرم و تخمک زن و شوهر تلقیح می شود (در مقابل تلقیح اسپرم و تخمک مرد و زن اجنبی) و جنین هایی که زن و شوهر نیاز ندارند فریز می کنند و اهدا می کنند یعنی در رحم زن اجنبی که در بارداری مشکل دارد قرار داده می شود این در واقع صورت چهارم می شود. اما از این جهت که جنین تلقیح شده مربوط به زن و شوهر باشد یا اجنبی، فرقی نمی کند بلکه مهم این است که نطفه مرد اجنبی در رحم زن اجنبی قرار داده می شود و این دو صورت یک حکم دارند.

نکته: صرف اینکه اسپرم و تخمک زن و مرد اجنبی در خارج با هم تلقیح شود و در رحم قرار داده نشود، این کار حرام نمی باشد و چنین کاری هیچ عنوان حرامی بر آن منطبق نیست.

صور سه گانه ای که ذکر شد ممکن است وضوح و خفاء داشته باشند از حیث شمول ادله، لذا هر کدام را جداگانه بحث می کنیم.



مسئله دوم: قرار دادن نطفه تلقیح شده از تخمک زن و مرد اجنبی در رحم خود زن

مسئله دوم در اهدای جنین این است که اسپرم مرد اجنبی (غیر از شوهر) با تخمک خود زن تلقیح شود و در رحم همان زن قرار داده شود مثلاً شوهر زن ناتوان در بارداری است.

تذکر: ذکر این نکته لازم است که بحث ما ناظر به موارد حرج و اضطرار نیست و فعلاً بحث را به عنوان حکم اولی دنبال می کنیم. مثلاً یک مرد به جهت زیبایی که دارد اسپر او را در رحم زن اجنبی قرار می دهند به امید اینکه جنین هم زیبا شود و ممکن است شوهر این زن اصلاً مشکل بارداری نداشته باشد. فعلاً ما در مورد حکم اولی مسئله بحث می کنیم و در صد موارد حرج و اضطرار نیستیم. آیا به حسب حکم اولی این کار جایز است یا نه؟

ما مسئله را هم به لحاظ اصل عملی بررسی می کنیم و هم به لحاظ ادله اجتهادی. و بحث در اصل عملی، هم از نظر اصل اولی بررسی می شود و هم از نظر اصل ثانوی که در شریعت به عنوان احتیاط ممکن است مقرر شده باشد.

مقتضای اصل عملی در مسئله

اصل اولی: اصل اولی عملی در اینجا مثل دیگر موارد، عدم حرمت و برائت است. یعنی اگر دلیل اجتهادی نباشد مقتضای اصل عملی، عدم حرمت است و باردار شدن یک زن با اسپرم مرد اجنبی حرمتی ندارد. ممکن است اصل اولی (عقلی) در مسئله برائت باشد اما شارع در موارد فروج احتیاط جعل کرده باشد لذا اصل ثانوی در مسئله را نیز بررسی می کنیم.

اصل ثانوی: ممکن است کسی ادعا کند که مقتضای احتیاط در فروج، عدم جواز این کار است. ما بحث مفصلی را در احتیاط در فروج به عنوان اصل عملی مطرح کردیم و گفتیم کبرویا و صغرویاً، وجوب احتیاط در فروج قابل مساعدت نیست. نهایت چیزی که از ادله استفاده می شود استحباب احتیاط در فروج است نه وجوب آن. ما در کتاب مبسوط^۱ این بحث را بطور مفصل به عنوان اصل در فروج مطرح کردیم.

استحباب احتیاطی که در فروج وجود دارد مربوط به ازدواج است مثلاً مرد شک دارد که این زن خواهر اوست (مثلاً پدرش زن دیگری داشته است)، حجیت بر خواهر بودن این زن وجود ندارد اما شاید خواهر او باشد و یا شاید از سایر محارم او باشد. کأنه این موارد یا شبهه موضوعیه است و یا حتی شبهه حکمیه صحت ازدواج است. اما جایی که بحث ازدواج نیست هرچند امر فرج در میان است مثلاً بحث استیلاست، اینکه این مورد، مورد قاعده احتیاط باشد، روشن نیست.

این قاعده مربوط به شبهه حکمیه در ازدواج است نه هر شبهه حکمیه‌ای که مربوط به فروج باشد. آنچه که در دلیل احتیاط آمده است این است: «إِنَّ أَمْرَ الْفَرْجِ لَشَدِيدٌ وَمِنْهُ الْوَلَدُ»^۲، تعلیل برای ازدواج آمده است (به نظرم در مورد نکاح فضولی آمده است که اهل سنت در مشروعیت آن اقا و اگر دارند یا نظیر این) که آیا این ازدواج مشروع است یا نامشروع؟ در این

۱. ۹

۲. وسائل الشیعة؛ ج ۲۰؛ ص ۲۵۸ «مَخْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الثَّوْرِيِّ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ شُعَيْبِ بْنِ الْحَدَّادِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع رَجُلٌ مِنْ مَوَالِيكَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ قَدْ أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَ امْرَأَةً وَ قَدْ وَافَقَتْهُ وَ أَعْجَبَهُ بَعْضُ شَأْنِهَا وَ قَدْ كَانَ لَهَا زَوْجٌ فَطَلَّقَهَا عَلَى غَيْرِ الشَّئَةِ وَ قَدْ كَرِهَ أَنْ يُقَدَّمَ عَلَى تَزْوِيجِهَا حَتَّى يَسْتَأْمَرَكَ فَتَكُونَ أَنْتَ تَأْمَرُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع هُوَ الْفَرْجُ وَ أَمْرُ الْفَرْجِ شَدِيدٌ وَ مِنْهُ يَكُونُ الْوَلَدُ وَ نَحْنُ نَخْطَأُ فَلَا يَتَزَوَّجُهَا».



مورد گفته شده که «إِنَّ أَمْرَ الْفَرْجِ لَشَدِيدٌ وَمِنْهُ الْوَلَدُ» لذا رعایت احتیاط بشود. علاوه بر اینکه احتیاط واجب نیست، احتیاط در مورد شبهات حکمیه در ازدواج و صحت و بطلان عقد است نه هر مسئله ای که مربوط به فرج باشد. لذا ما گفتیم که اگر این اصل احتیاط بخواهد بگوید قرار دادن نطفه مرد اجنبی در رحم زن اجنبیه، جایز نیست، این مطلب هم کبرویا و هم صغرویاً صحیح نیست.

بررسی ادله اجتهادی در مسئله

ما این بحث را با قطع نظر از اهدای جنین، به عنوان قرار دادن اسپرم مرد اجنبی در رحم زن اجنبیه، قبلاً داشتیم هم در جلد اول به اختصار و هم در جلد دوم به تفصیل. وجوهی برای ممنوعیت قرار دادن اسپرم مرد اجنبی در رحم زن اجنبیه مطرح است.

تذکر: خطوط اصلی بحث ما همین چهار مسئله ای بود که اشاره شد در عین اینکه ممکن است فروضی برای هر کدام از اینها مطرح شود، اینها به تبع روشن می شود. مثلاً اینکه زن شوهر داشته باشد یک مسئله است و اگر زن شوهر نداشته باشد مسئله دیگر است، زن از محارم باشد مسئله دیگر است، اینها از فروض مسئله است. فعلاً بحث ما در اصل مسئله است و خیلی از این فروض در مسئله تفاوتی ایجاد نمی کند. صوری که ما در مسئله ذکر کردیم حتماً به این معنا نیست که حکم این صور با هم فرق می کند ممکن است حکم آنها یکی باشد.

برای ممنوعیت قرار دادن اسپرم مرد اجنبی در رحم زن اجنبیه وجوهی قابل طرح است که قدر متیقن از آنها همین فرض مسئله دوم است که اسپرم مرد اجنبی با زن اجنبیه تلقیح می شود و در رحم خود همین زن قرار داده می شود. یعنی ممکن است در اطلاق و شمول این وجوهی که بیان می شود نسبت به صور دیگر تشکیک شود اما قدر متیقن از آن وجوه، این فرض مسئله دوم است. در برخی از این ادله به مسئله اول هم گریزی زده خواهد شد.

وجه اول: استدلال به برخی آیات حفظ فرج

دلیل اول بر عدم جواز که یک وجه قوی است و ما بعداً در کلمات مرحوم صدر هم این وجه را دیدیم، استدلال به برخی از آیات حفظ فرج است. آیات حفظ فرج در قرآن چند طائفه هستند و برخی از آن آیات به مانحن فیه ربطی ندارند.

طایفه اول از آیات حفظ فرج

بحث ما در این است که اسپرم مرد اجنبی در رحم زن اجنبیه قرار گیرد، عده ای از آیات مربوط به حفظ فرج، از این مسئله اجنبی است اما دلالت بر وجوب حفظ فرج دارند مانند آیات ۵ تا ۷ سوره مبارکه نور:

«وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۵) إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۶) فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۷)»

دلالت این آیات این است که بر مردان تحفظ بر فرج لازم است مگر نسبت به همسر و کنیز «إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ»، این آیه ربطی ندارد به اینکه زن باید تحفظ کند بر فرجش از نطفه اجانب. این آیه حفظ فرج، ناظر به این است



که مرد باید تحفظ بر فرج کند و هر کجا اعمال فرج نکند الا در مورد زوجه و ملک یمینش. این هیچ ربطی به مسئله عدم جواز تلقیح زن به اسپرم مرد اجنبی ندارد.

حتی اگر یک مرد اجنبی با قهر و اجبار نطفه خودش را بدون رضایت زن اجنبیه در رحم او قرار دهد این جعل نطفه در رحم زن اجنبیه مخالفت با آیه «إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ» نیست، مفاد این آیه این است که زنا و شبیه آن بر مرد جایز نیست، آیا از ادله حرمت زنا فهمیده می شود که قرار دادن نطفه در رحم زن اجنبیه جایز نیست؟ ایندو ربطی به هم ندارند.

بله ما از برخی نصوص استفاده کردیم که اگر مرد زانی علاوه بر زنا، انزال کند در رحم مزنی بها، گناه او مضاعف است و یک گناه دیگر است. اما این غیر از این است که از اطلاعات ادله حرمت زنا، حرمت انزال در رحم اجنبیه فهمیده شود. بحث زنا یک چیز است و بحث انزال چیز دیگریست. انزال یا ادخال نطفه در رحم زن اجنبیه ملازم با تحقق زنا و این عمل جنسی نیست.

بنابراین مثل این طایفه از آیات که مفاد آن این است که تحفظ بر فرج برای مرد واجب است «إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ»، از این آیه بیش از حرمت زنا و اعمال مناسب جنسی مانند لواط و استمناء (به نظرم در برخی از روایات به مثل این آیه استدلال شده بر حرمت استمناء) فهمیده نمی شود. استمناء هم با تحفظ بر فرج (اعمال شهوت) منافات دارد گرچه هیچ مجامعتی در آن نیست.

و همچنین آیه ۳۰ سوره مبارکه نور دلالت بر لزوم حفظ فروج دارد اما از مسئله ما اجنبی است و دلالتی بر عدم جواز تلقیح به نطفه اجنبی ندارد.

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۳۰)»

و همچنین آیات ۲۹ تا ۳۱ سوره مبارکه معارج دلالت بر وجوب حفظ فرج دارند ولی از مانحن فیه اجنبی هستند.

«وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ (۲۹) إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۳۰) فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۳۱)»

طایفه دوم از آیات حفظ فرج

برخی از آیات ممکن است حتی دلالت بر وجوب حفظ فرج هم نداشته باشد مانند:

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»^۱

این آیه مبارکه دلالتی بر الزام حفظ فرج ندارد و همچنین هیچ دلالتی بر عدم جواز تلقیح به نطفه اجنبی ندارد.



طایفه سوم از آیات حفظ فرج

ما قبلا که این بحث را دنبال کردیم آیات را سه طائفه کردیم و گفتیم طایفه سومی که الآن بیان می کنیم مربوط به مانحن فیه می شود یعنی می تواند دلالت بر حرمت جعل نطفه اجنبی در رحم زن اجنبیه داشته باشد مانند آیه ۳۱ سوره مبارکه نور:

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»

ممکن است به این آیه استدلال شود بر عدم جواز تمکین زن نسبت به جعل نطفه اجنبی در رحم خودش. این آیه امر کرده است که زن نامحرم نباید به مرد نامحرم نگاه کند همانطوری که مرد نامحرم هم نباید به زن نامحرم نگاه کند مگر آن مقداری که استثنا شده است و مقدار استثنا شده در زن وجه و کفین است و در مرد سر و گردن و دست و شاید پا می باشد. حتما برای زن نگاه کردن به بدن مرد در برخی از ورزشها مانند گشتی جایز نیست. و همچنین در سینه زنی برای امام حسین علیه السلام هم زن نباید به بدن نامحرم نگاه کند و مردها هم نباید لخت شوند و در جایی بایستند که معرض دید نامحرم باشد.

مقتضای آیه این است که نه فقط نظر به عورت مرد نامحرم، بلکه نظر به بدن مرد نامحرم هم جایز نیست و استثنای سر و گردن و دست و پا، عمدتا از باب سیره است و نظر به بیش از آن جایز نیست. معمولا در زمان قدیم مردم برای پوشش از سرما و گرما مجبور بودند لباس بپوشند و اینطور نبوده که عریان باشند و فقط عورتین خود را بپوشانند و لذا اینکه گفته شود در آن زمان لباس زیادی نمی پوشیدند و عریان بودند صحیح نمی باشد. و حتی ما اگر فرض کنیم که عربهای آن زمان عورت را هم نمی پوشانند، اما اطلاق آیه دلالت دارد که زن ها باید غَضّ نظر کنند و در آیه نیامده که فقط از فروج غَضّ نظر کنند بلکه اطلاق دارد و شامل تمام بدن مرد می شود مگر آن قسمتی که استثنا شده است.

به نظر می آید این آیه بر اساس اطلاقی که در آن وجود دارد به خودی خود دلالت می کند بر اینکه تحفظ زن ها بر فرج فقط نسبت به اعمال جنسی نیست بلکه شامل «كُلُّ مَا يَنَاسِبُ الْفَرْجَ» می شود. مراد آیه، تحفظ بر فرج از تر شدن و داخل آب رفت نیست بلکه مراد، تحفظ بر فرج، از مناسبات آن است. یکی از مناسبات فرج اعمال جنسی است و دیگری استیلاست. اینکه تا تحفظ بر فرج گفته می شود زنا به ذهن می آید، صحیح نیست و این آیه نسبت به مساحقه اطلاق دارد و اختصاصی به زنا ندارد. کما اینکه آیه حفظ فرج در رجال «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ»^۱ شامل لواط هم می شود و اختصاصی به حرمت زنا ندارد و در برخی از روایات به آیه حفظ فرج استناد شده برای حرمت استمناء، اینها شاهد بر این است که این آیه اختصاصی به زنا ندارد.

ما از این مقدار هم تعدی می کنیم و می گوئیم نه فقط زنا، نه فقط مساحقه، بلکه شامل «ما یناسب الفرج» می شود. از امور واضح مناسبات فرج، بحث استیلا و بارداری است. یعنی آیه شامل تحفظ بر فرج از بارداری می شود. گفته نشود که آیه شامل باردار شدن از شوهر هم می شود یعنی باردار شدن از شوهر هم جایز نیست؛ چون اگرچه در این آیه مثلا زوج استثنا نشده است اما در دیگر آیات و ادله، زوج و ملک یمین استثنا شده است علاوه بر اینکه ارتکاز مشروعیت نکاح در شریعت، از

۱. نور: ۳۰.

بسم الله الرحمن الرحيم



جلسه: ۷
تاریخ: ۱۴۰۰/۰۸/۱۹

درس: فقه پزشکی
موضوع: اهدای جنین
استاد: محمد قائنی حفظه الله

قبیل قرینه متصله ای است که مانع از انعقاد اطلاق در آیه می شود.
والحمد لله رب العالمین